

دوفصلنامه علمی حدیث پژوهی

سال ۱۴، پاییز و زمستان ۱۴۰۱، شماره ۲۸

مقاله علمی پژوهشی

صفحات: ۲۹۱-۳۱۲

بررسی سندی و دلالتی روایت «رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْيَا أَمْرَنَا»

هادی اسلامی*

چکیده

احادیث ائمه اطهار (علیهم السلام) از سرمایه‌های بزرگ معرفتی و هدایتی در تبیین و تفسیر آیات الهی‌اند. یکی از این احادیث گهربار حدیث «رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْيَا أَمْرَنَا» از امام رضا (علیه السلام) است که در عیون أخبار الرضا و معانی الأخبار شیخ صدوق آمده است. این روایت از سایر امامان نیز با همین مضمون صادر شده که بیانگر اهمیت آن است. فهم مراد از «احیای امر» در حدیث فوق محل بحث این مقاله است. این نوشتار به روش توصیفی تحلیلی به بررسی دلالتی روایت یادشده پرداخته است. با تشکیل خانواده حدیث و توجه به روایات دیگری که با همین مضمون است، معلوم شد احیای امر ائمه (علیهم السلام) به تعلیم و تعلیم معارف آنان است. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که علوم امامان معصوم (علیهم السلام) از جانب خداوند است و زمینه پذیرش آن در هر انسانی که از فطرت الهی منحرف نشده باشد، وجود دارد. همچنین یاد گرفتن و یاد دادن علوم و معارف ائمه اطهار (علیهم السلام) نقش اساسی در تبعیت و پیروی مردم از آنان دارد. بخشی از نوآوری این مقاله، تبیین بارزترین مصادیق «احیای امر» است که عبارت‌اند از برگزاری مجالس و تشکیل کلاس‌های معرفت‌افزایی، امر به معروف و نهی از منکر، و تشکیل نظام ولایی برای تحقق عدالت در تمام ابعاد زندگی فردی و اجتماعی؛ اما تمام موارد یادشده زمینه و بستر را برای «احیای امر» فراهم می‌کند و تحقق واقعی احیای امر ائمه اطهار (علیهم السلام) در پیروی و تبعیت از آنان و زنده نگه داشتن نظام ولایی برای تحقق عدالت و تربیت انسان کامل است.

کلیدواژه‌ها: احیای امر ائمه (علیهم السلام)، محاسن کلام، تبعیت، بررسی سندی و دلالتی.

* دانشجوی دکتری گروه قرآن و حدیث، دانشگاه قرآن و حدیث قم، قم، ایران / eslami.quran@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۶/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۸/۲۴

۱. بیان مسئله

قرآن کریم و احادیث ائمه اطهار (علیهم السلام) از مهم ترین منابع معرفتی در اسلام است. هر فرد محقق و دین شناسی نیازمند مراجعه به متون حدیثی برای فهم صحیح آیات قرآن و معارف دین اسلام است. آموزه های فراوان و پرفایده قرآن کریم و احادیث نقش تعیین کننده ای در تربیت و رشد و تعالی انسان و جامعه دارد.

ما شیعیان طبق فرمایش پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در حدیث متواتر ثقلین، پیرو قرآن و عترت هستیم و احادیث امامان معصوم (علیهم السلام) را حجت شرعی می دانیم. در طول تاریخ مذهب امامیه نیز علمای شیعه در معرفی جایگاه معنوی و الهی ائمه اطهار (علیهم السلام)، از طریق حفظ و نشر احادیث و معارف آنان نقش اساسی داشته اند. یکی از وظایف عالمان شیعه تبیین و تفسیر معارف عترت است برای عموم مردم. در دنیای امروزی که دنیای ارتباطات است، باید اهتمام بیشتری به این وظیفه داشته باشیم. ضرورت معرفی ائمه اطهار (علیهم السلام) به مردم از طریق نقل احادیث و بیان سیره و سنت آنان برای مردم، بیش از گذشته احساس می شود. ائمه معصومین (علیهم السلام) نیز به این مورد، توجه کامل داشته و به شیعیان سفارش اکید فرموده اند.

در این میان، یکی از احادیث گهربار در گنجینه معارف ائمه اطهار (علیهم السلام) روایتی است معروف از سخنان گهربار امام رضا (علیه السلام) که شیخ صدوق با عنوان «احیای امر» یا «محاسن کلام» در *عیون أخبار الرضا و معانی الأخبار* نقل کرده است.

درباره پیشینه تحقیقات صورت گرفته در خصوص این مسئله شایان ذکر است علامه محقق سید جعفر مرتضی عاملی کتابی با عنوان *احیاء امرنا* نوشته اند که ترجمه آن در انتشارات نشر و ترجمه آثار ایشان نشر یافته است. موضوع کتاب درباره امام حسین (علیه السلام) (شعائر، مراسم مذهبی و سوگواری ها) است. این اثر بیشتر برای آسیب شناسی مراسم عزاداری نوشته شده و ارتباطی با موضوع بحث ما ندارد. بنابراین کتاب مستقلی در این باره نوشته نشده است. سید علی دلبری مقاله ای با عنوان «پژوهش سندی و دلالتی حدیث "محاسن کلام" از امام رضا (علیه السلام)» نوشته اند که محوریت آن در پاسخ به این سؤال است که مراد از احیای امر و محاسن کلام در حدیث فوق چیست؟ وی با بیان برخی ویژگی ها و فضیلت های اخلاقی به این سؤال

پاسخ داده است. بررسی‌ها بیانگر این است که درباره روایت مذکور کار علمی فقه الحدیثی صورت نگرفته است.

تفاوت و امتیاز مقاله پیش رو در این است که با تشکیل خانواده حدیث، به تحلیل فقه الحدیثی روایت فوق به صورت علمی پژوهشی پرداخته و در صدد این نبوده است که با نگاهی ساده به مسئله، فقط ارزش‌های اخلاقی را به عنوان «احیای امر» معرفی کند.

این حدیث به نقل از شیخ صدوق در کتاب *عیون أخبار الرضا* و نیز در *معانی الأخبار* با سند متصل خود از امام رضا علیه السلام چنین آمده است: «حَدَّثَنَا عَبْدُ الْوَاحِدِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِوَسٍ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ قُتَيْبَةَ النَّيْسَابُورِيِّ عَنْ حَمْدَانَ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ عَبْدِ السَّلَامِ بْنِ صَالِحِ الْهَرَوِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرَّضَا علیه السلام يَقُولُ رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْيَا أَمْرَنَا فَقُلْتُ لَهُ فَكَيْفَ يَحْيِي أَمْرَكُمْ قَالَ يَتَعَلَّمُ عُلُومَنَا وَيَعْلَمُهَا النَّاسُ فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَحَاسِنَ كَلَامِنَا لَاتَّبَعُونَا» (ابن بابویه، ۱۳۶۱ ش، ص ۱۸۰). شیخ صدوق از عبدالواحد بن محمد بن عبدوس نیشابوری العطار نقل می‌کند که او از علی بن محمد بن قتیبة نیشابوری روایت و ایشان نیز از حمدان بن سلیمان نقل کرده است که عبدالسلام بن صالح اباصلت هروی می‌گوید: از امام رضا علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: خداوند رحمت کند کسی را که امر ما را زنده کند. (راوی حدیث گوید) به امام گفتم: چگونه امر شما را زنده نماید؟ حضرت فرمودند: علوم ما را فراگیرد و به مردم بیاموزد؛ زیرا اگر مردم از زیبایی‌ها و محاسن کلام ما آگاه گردند، پیرو ما خواهند شد.

مراد از احیای امر ائمه اطهار علیهم السلام در این حدیث محل بحث این نوشتار است. در این مقاله سعی شده است تا ضمن بررسی دلالت روایت با کشف مراد جدی معصوم، به بحث و بررسی این حدیث از جهت دلالتی آن یعنی فقه الحدیث پرداخته شود.

این نوشتار با روشی هدفمند و تشکیل خانواده حدیث در صدد فهم حدیث امام رضا علیه السلام است. در فرایند فهم احادیث، شناسایی و بازیابی خانواده حدیث امری ضروری است؛ زیرا آنچه موجب رسیدن به مقصود اصلی گوینده می‌شود و سیر حرکت از فهم متن تا فهم مقصود را سامان می‌بخشد، دستیابی به قرینه‌های لفظی و

مقامی است؛ از این رو نبود شناخت جامع از قرآینی که در احادیث متناظر و هم‌مضمون، پراکنده شده‌اند هدف از مطالعه حدیث را تأمین نکرده، فهم ناقص و ابتری را به دنبال خواهد داشت؛ علاوه بر آن، بی‌دقتی در این باره و نسبت فهم نادرست به معصوم علیه السلام پیامدهای منفی آن را دوچندان خواهد کرد؛ بنابراین تتبع ناقص و عدم گردآوری همه متون مربوط به یک موضوع، آسیب جدی را پدید می‌آورد.

برای اینکه فهم صحیحی از حدیث مذکور داشته باشیم، ابتدا لازم است واژه‌های کلیدی «احیاء» و «تبعیت» از نگاه واژه‌شناسان بررسی شود.

۲. مفهوم‌شناسی احیا

واژه‌شناسان، حیات را ضد مرگ، و واژه احیا را به زنده کردن و زندگانی بخشیدن معنی کرده‌اند. (ابن فارس، ۱۴۰۴ق) مفهوم حیات در قرآن شامل همه موجودات زنده می‌شود. حیات گیاهی (حیات بخشیدن به طبیعت)، حیات حیوانی (زنده کردن مردگان)، حیات فکری، عقلانی و انسانی (هدایت گمراهان)، حیات به معنای حیات جاودان جهان دیگر، یا به معنای علم و توانایی بی‌حد و اندازه آمده است.

قرآن مجید پیروی از دستورات خداوند و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را مایه حیات مسلمانان می‌داند و می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ» (انفال: ۲۴)؛ ای مؤمنان، چون خدا و پیامبرش شما را به چیزی که به شما زندگی بخشد، فراخوانند، دعوت آنان را بپذیرید.

آیه شریفه، دعوت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را دعوت به سوی حیات می‌داند. آموزه‌های دین اسلام، حیات‌بخش و زندگی‌آفرین است. دین به همه زوایای زندگی انسان، حرکت و حیات می‌بخشد.

تفسیر نمونه درباره آیه فوق بیان جامعی دارد و چنین آورده است که آیه فوق با صراحت می‌گوید که دعوت اسلام، دعوت به سوی حیات و زندگی است. حیات معنوی، حیات مادی، حیات فرهنگی، حیات اقتصادی، حیات سیاسی به معنای واقعی، حیات اخلاقی و اجتماعی، و بالاخره حیات و زندگی در تمام زمینه‌ها. این تعبیر کوتاه‌ترین و جامع‌ترین تعبیری است که درباره اسلام و آیین حق آمده است. (مکارم

شیرازی، ۱۳۷۱ش، ج ۷، ص ۱۲۷)

بر همین اساس اگر خداوند می‌فرماید «وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا»؛ هرکس به انسانی حیات بخشد، مثل این است که به همه مردم حیات بخشیده است؛ (مأئده: ۳۲)، هم مصداق مادی دارد همانند نجات انسانی از غرق شدن، و هم مصداق معنوی همانند هدایت و راهنمایی انسانی و نجات او از فساد و گمراهی.

۳. مفهوم‌شناسی تبعیت

تبعیت یعنی پیروی، دنباله‌روی، پذیرفتن، تعقیب کردن، موافقت کردن، جانشینی، فرمان‌برداری، امتثال امر و ملحق شدن. (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۷۸؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۸، ص ۲۷؛ طریحی، ۱۳۶۵ش، ج ۴، ص ۳۰۵) بدیهی است که تبعیت و پیروی به خودی خود نه خوب است و نه بد، بلکه با توجه به خوب یا بد بودن متبوع به دو نوع «ممدوح» و «مذموم» تقسیم می‌شود. تبعیت ممدوح تبعیتی است که نسبت به افراد یا اعمال پسندیده انجام گیرد و تبعیت مذموم آن است که نسبت به اشخاص یا اعمال ناپسند انجام شود.

در این مقاله به بررسی و تحلیل فقه الحدیثی روایت «رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْيَا أُمَّرْنَا» به‌عنوان یکی از احادیث گهربار امام علی بن موسی الرضا علیه السلام پرداخته شده است. نویسنده سعی کرده است تا با بررسی سندی و دلالتی حدیث شریف، به فهم صحیح و دقیقی از آن دست یابد و با بیان چگونگی و شیوه‌های مختلف «احیای امر ائمه علیهم السلام»، مختصری از آثار و برکات آن را بر همگان روشن سازد.

۴. بررسی سندی

برای ارزیابی سند یک حدیث باید ضمن اعتبارسنجی مؤلف و کتاب او، به شرح حال رجالی تک‌تک راویان پرداخت. این حدیث را شیخ صدوق در دو کتاب خود، *عیون أخبار الرضا و معانی الأخبار* با سند متصل از امام رضا علیه السلام نقل کرده است. انتساب این دو کتاب شریف به شیخ صدوق بر کسی پوشیده نیست؛ چنان‌که شهرت این دو کتاب در میان شیعیان و اهل تحقیق، ما را از بررسی واسطه‌ها تا خود شیخ صدوق که در اجازات در مظان خود آمده است، بی‌نیاز می‌کند.

برای بررسی سندی روایت لازم است راویان حدیث را که از شیخ صدوق تا امام

رضای علیه السلام پنج راوی اند، بررسی شود:

۱-۴. محمد بن علی بن الحسین معروف به شیخ صدوق، از بزرگان شیعه و مورد وثوق همه عالمان است. تمامی رجالیان زبان به مدح او گشوده و از او به بزرگی یاد کرده اند. شیخ طوسی می نویسد: «جلیل القدر حفظة بصیر بالفقه و الأخبار الرجال»؛ شیخ صدوق فردی بزرگوار، حافظ و آگاه به فقه، روایات و دانش رجال است. (طوسی، ۱۴۲۷ق، ص ۴۳۹)

مرحوم نجاشی آورده است: «محمد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه القمی ابوجعفر نزیل الری شیخنا و فقیهنا و وجه الطائفة بخراسان و کان ورد بغداد سنة خمس و خمسين و ثلاث مائة و سمع منه شیوخ الطائفة و هو حدث السن. و له کتب کثیرة»؛ ابوجعفر بن بابویه ساکن شهر ری، شیخ و فقیه ما و شخصیت معروف شیعیان در خراسان بود. او در سال ۳۵۵ در جوانی به بغداد سفر و بزرگان شیعه از او کسب فیض کرده اند. وی دارای کتب زیادی است. (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۳۸۹، ش ۱۰۴۹)

۲-۴. عبدالواحد بن محمد بن عبدوس؛ اگرچه در رجال درباره وی توثیقی نرسیده و حتی در کتب رجال متقدمین ذکر نشده است، به نظر می رسد از بزرگان شیعه و ثقه است. وثاقت وی با تجمیع قراین احراز می شود؛ مانند اینکه اولاً ایشان از مشایخ مکتب حدیث و استادان به نام و معروف شیخ صدوق است که در من لایحضر الفقیه از او نقل حدیث نموده (ابن بابویه، ۱۴۰۵ق، ج ۳، ص ۳۷۸ و ج ۴، ص ۴۱۹) و در وسائل الشیعه مرحوم حرّ عاملی ۱۵۴ روایت از شیخ صدوق از طریق ایشان آورده است. آیت الله بروجردی بر این باور است که کثرت نقل افرادی چون شیخ طوسی، شیخ مفید، شیخ صدوق یا دیگر بزرگان از یک راوی، بر وثاقت او دلالت دارد. (بروجردی، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۲۳۱؛ نیز وحید بهبهانی، ۱۴۰۴ق، ص ۵۰؛ حائری، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۹۰) ثانیاً شیخ صدوق برای او ترضی نموده است و به باور برخی مانند علامه وحید بهبهانی، مرحوم کاظمی، ابوعلی حائری، علامه نمازی ترخم (رحمه الله گفتن) و ترضی (رضی الله عنه گفتن) و هرگونه دعای خیر بزرگانی همچون مرحوم کلینی، شیخ صدوق و شیخ طوسی از شخصی، دلیل آن است که آن راوی از شخصیت های برجسته و مورد اعتماد بوده است. (وحید بهبهانی، ۱۴۰۴ق،

ص ۵۳؛ اعرجی کاظمی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۱۳۴-۱۳۵؛ حائری، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۹۲؛ مامقانی، ۱۳۵۲ق، ج ۱، ص ۲۱۰؛ همو، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۱۳۰ و ۲۷۵؛ نمازی شاهرودی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۵۹). ثالثاً از همه مهم تر اینکه ابن بابویه روایت مفصلی را دربارهٔ اصول و فروع دین اسلام از عبدالواحد بن محمد بن عبدوس از علی بن محمد بن قتیبه از فضل بن شاذان از امام رضا علیه السلام نقل کرده، سپس به نقل دیگر روایت از طریق حمزه بن محمد علوی به اسناد خود از فضل بن شاذان اشاره کرده است و پس از ذکر اختلافات این نقل با نقل دیگر می افزاید: «و حدیث عبدالواحد بن محمد بن عبدوس رضی الله عنه عنده اصح» (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۲، ص ۱۲۷). از این رو حضرت امام خمینی علیه السلام به تبع استاد خود آیت الله بروجردی، از عبارت صدوق، وثاقت عبدالواحد را استفاده کرده اند؛ آنجا که می نویسد: «و هو توثیق رجال السنن سیما عبدالواحد» (بروجردی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۲۴۰؛ خمینی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۸۳؛ بحرانی، ۱۴۱۳ق، ص ۲۷۹)

۳-۴. علی بن محمد بن قتیبه نیشابوری معروف به قُتیبی امامی ثقة است. نجاشی دربارهٔ وی می گوید: «علی بن محمد بن قتیبه النیشابوری علیه اعتماد أبو عمرو الکشی فی کتاب الرجال أبو الحسن، صاحب الفضل بن شاذان و روایة کتبه» (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۲۵۹، ش ۶۷۸) مرحوم کُشّی در رجال بر قُتیبی اعتماد کرده است. کنیهٔ وی ابوالحسن است. وی شاگرد فضل بن شاذان و راوی کتب ایشان است.

علامه حلی او را ستوده است: «علی بن محمد بن قتیبه و يعرف بالقتیبی النیشابوری أبو الحسن، تلمیذ الفضل بن شاذان فاضل علیه اعتماد أبو عمرو الکشی فی کتاب الرجال» (حلی، ۱۳۸۱ق، ص ۹۴، ش ۱۶). ابوالحسن علی بن محمد بن قتیبه نیشابوری معروف به قُتیبی، شاگرد فضل بن شاذان و فرد فاضلی است و مرحوم کُشّی در رجال بر قُتیبی اعتماد کرده است.

توثیق وی از طریق تجمیع قراین ثابت می شود و بدان سبب که مورد اعتماد کُشی بوده و شاگرد فضل بن شاذان، و نیز شیخ طوسی و علامه حلی از او به فاضل تعبیر نموده اند. (طوسی، ۱۴۲۷ق، ص ۴۲۹؛ حلی، ۱۳۸۱ق، ص ۹۴، ش ۱۶) چنان که گذشت، شیخ صدوق نسبت به سندی که قُتیبی و عبدالواحد در طریق آن واقع شده بودند،

تصحیح نمود (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۲، ص ۱۲۷) لذا برخی از محققان و رجال شناسان معاصر می‌گویند: «با توجه به اینکه صدوق اصالة العدالة‌ای نیست و در امر توثیق افراد نیز همانند استاد خودش ابن ولید بسیار سختگیر است، می‌توان «علی بن محمد بن قتیبه» را مورد اعتماد دانست. (شبیبری زنجانی، ۱۴۱۹ق، ج ۸، ص ۲۵۵۴) بنابراین افزون بر مدح شیخ طوسی و علامه حلی، بودن راوی از مشایخ کشی (مامقانی، ۱۳۵۲ق، ج ۱، ص ۳۹؛ بحرانی، بی‌تا، ج ۱۳، ص ۲۲۱) و تصحیح سند توسط شیخ صدوق که برخی این دو را از توثیقات عمومی بر شمرده‌اند (وحید بهبهانی، ۱۴۰۴ق، ص ۵۰؛ اعرجی کاظمی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۱۳۵) می‌تواند قراینی بر توثیق قتیبی باشد.

۴-۴. حمدان بن سلیمان به تصریح رجالیان امامی ثقه است. نجاشی و علامه حلی به وثاقت و جلالت وی تصریح کرده‌اند: «حمدان بن سلیمان أبوسعید النیشابوری (النیشابوری) ثقة من وجوه أصحابنا، ذکر ذلک أبو عبدالله احمد بن عبدالواحد.» (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۱۳۸، ش ۳۵۷؛ حلی، ۱۳۸۱ق، ص ۶۲، ش ۲). حمدان بن سلیمان نیشابوری فردی ثقه و از شخصیت‌های معروف شیعه است. این توثیق را احمد بن عبدالواحد نقل کرده است.

۵-۴. عبدالسلام بن الصالح الهروی نیز امامی ثقه است. مرحوم نجاشی و علامه حلی وی را فردی ثقه و صحیح الحدیث شمرده‌اند: «عبدالسلام بن صالح أبو الصلت الهروی روی عن الرضا علیه السلام ثقة صحیح الحدیث. له کتاب وفاة الرضا علیه السلام» (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۲۴۵، ش ۶۴۳؛ حلی، ۱۳۸۱ق، ص ۱۱۷، ش ۲). اباصلت هروی از امام رضا علیه السلام نقل حدیث می‌کند. وی فردی ثقه و صحیح الحدیث است و کتاب وفات امام رضا علیه السلام از اوست.

در نتیجه، سند حدیث متصل به معصوم است و رجالیان، تمامی روات را امامی می‌دانند و به وثاقت سه نفر تصریح نموده و نسبت به عبدالواحد بن محمد بن عبدوس و قتیبی گرچه تصریح به وثاقت نکرده‌اند، این دو راوی نیز با تجمیع قراین توثیق شده‌اند. (بروجردی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۲۴۰؛ خمینی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۸۳) بر این اساس، بنا بر تحقیق، تمامی روات امامی ثقه‌اند، پس روایت صحیح السند است.

(دلبری، ۱۳۹۷ش، ص ۳۷-۴۱)

۵. بررسی دلالتی

محتوا و دلالت‌های متن حدیث «رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْيَا أَمْرَنَا» ضمن نکات زیر بررسی می‌شود:

۱-۵. شناسایی و استخراج مسائل حدیث

احادیثی که موضوع واحدی دارند، ممکن است مسئله‌های مختلفی را در بر داشته باشند. در پژوهش باید به دنبال تفکیک و دسته‌بندی مسائل حدیث بود. شناسایی مسائل موجود در حدیث امام رضا علیه السلام یکی از روش‌های صحیح برای فهم دقیق حدیث است تا بتوان در مراحل بعدی پژوهش از طریق شناسایی درست مسائل حدیث، نظریه علمی موجود در آن را شناسایی و استخراج کرد.

با توجه در حدیث امام رضا علیه السلام، مسائل متعددی را می‌توان از آن استخراج کرد؛ ایشان فرمودند: «رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْيَا أَمْرَنَا فَقُلْتُ لَهُ فَكَيْفَ يَحْيِي أَمْرَكُمْ؟ قَالَ يَتَعَلَّمُ عُلُومَنَا وَيَعْلَمُهَا النَّاسَ فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَحَاسِنَ كَلَامِنَا لَاتَّبَعُونَا.» همان‌طور که مشاهده می‌شود روایت به شکل پرسش و پاسخ مطرح شده است و همین می‌تواند در تفکیک مسائل حدیث یاری‌رسان باشد. اولاً احیای امر ائمه اطهار علیهم السلام به چه معناست و چگونه است؟ ثانیاً چه رابطه‌ای بین علم و آگاهی از محاسن کلام ائمه اطهار علیهم السلام و تبعیت و پیروی از آنان وجود دارد؟

پاسخ این سؤالات در مباحث آینده روشن خواهد شد. «احیای امر» در واقع احیای امر دین اسلام است که از طریق تعلیم و تعلم معارف الهی و احیای ولایت ائمه علیهم السلام با تبعیت و پیروی از آنان حاصل خواهد شد. رابطه بین علم و آگاهی از محاسن کلام ائمه و تبعیت از آنان نیز بیانگر این واقعیت است که محاسن کلام ائمه مطابق با فطرت است و مورد پذیرش و پیروی مردم قرار می‌گیرد؛ پس مسئله این حدیث احیای امر ائمه اطهار علیهم السلام است.

۲-۵. دعای امام رضا علیه السلام

این حدیث با جمله «رحم الله عبدا» آغاز شده و امام رضا علیه السلام در حق بنده‌ای که امر ائمه اطهار علیهم السلام را احیا نماید، دعا فرموده و از خداوند برای او طلب رحمت نموده

است. با اعتقادی که به اجابت دعای معصوم علیه السلام داریم، دعای مستجاب امام رضا علیه السلام در حقّ چنین فردی نشانه اهمیت «احیای امر» است. بی شک هرکس چه مرد و چه زن اقدام به این کار مهم یعنی «احیای امر» نماید، در راه زنده کردن معارف دین و مکتب انسان‌ساز اهل بیت علیهم السلام گام برداشته است و دعای امام رضا علیه السلام شامل حال او خواهد شد.

محدثان نقش مهمی در حفظ و نشر معارف ائمه اطهار علیهم السلام داشته‌اند. اگر حفظ حدیث و نقل روایات و زحمات محدثان نبود، احادیث ائمه اطهار علیهم السلام در رشته‌های گوناگون حیات ظاهری، معنوی، دنیوی و اخروی باقی نمی‌ماند و امروز به صورت بزرگ‌ترین و عالی‌ترین ثروت‌ها و ذخایر علم و معرفت، در کتاب‌های مدون و مکتوب مثل کافی و استبصار و تهذیب، من لایحضره الفقیه و بالآخره بحار الانوار به دست ما نمی‌رسید و در اختیار ما قرار نداشت. بر این اساس دعای امام رضا علیه السلام شامل حال همه کسانی است که در حفظ و نشر معارف اهل بیت علیهم السلام نقش داشته‌اند.

۳-۵. تشکیل خانواده حدیث برای فهم معنای «احیای امر» ائمه اطهار علیهم السلام

امام رضا علیه السلام با جمله دعایی «رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْيَا أَمْرَنَا» اهمیت مسئله «احیای امر» را به خوبی یادآور شده‌اند. این فراز از حدیث، در احادیث دیگری نیز به شکل‌های مختلف مطرح شده است. برای فهم دقیق آن لازم است خانواده حدیث تشکیل شود. یکی از مراحل مهم روش فهم حدیث، تشکیل «خانواده حدیث» است که در رسیدن به فهم کامل و نهایی از کلام معصوم علیه السلام نقش مهم و تعیین‌کننده‌ای دارد. منظور از تشکیل خانواده حدیث، یافتن احادیث مشابه، هم‌مضمون و ناظر به یک موضوع محوری است که با شناخت نسبت میان آن‌ها با یکدیگر، به فهم دقیق حدیث نزدیک می‌شویم.

اهمیت تشکیل خانواده حدیث بدین سبب است که تمام روایاتی که از معصومین علیهم السلام به ما رسیده است، از یک منبع واحد سرچشمه گرفته‌اند؛ از این رو احادیث وارده از ایشان گرچه از جانب چند معصوم صادر شده باشد، با یکدیگر هماهنگ و هم‌خوان‌اند؛ به گونه‌ای که می‌توان از بعضی در تبیین و تفسیر بعض دیگر

یاری جست؛ بنابراین اگر بخواهیم درباره یک موضوع یا یک مفهوم روایی نتیجه‌ای صحیح و کارآمد به دست آید، باید تمام احادیث ناظر به آن موضوع مطالعه و بررسی شود، در غیر این صورت آسیب‌های جدی و زیان‌باری به وجود می‌آید. با تشکیل خانواده حدیث، یعنی جامع‌نگری و یافتن تمامی احادیث مشابه و مرتبط با موضوع مشخص می‌شود که «احیای امر اهل بیت (علیهم‌السلام)» در روایات متعدد دیگری نیز سفارش شده است. از باب نمونه به چند حدیث اشاره می‌شود:

الف. «عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ خَيْثَمَةَ قَالَتْ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ (ع) أَوْدَعُهُ فَقَالَ يَا خَيْثَمَةُ أُبْلِغْ مَنْ تَرَى مِنْ مَوَالِينَا السَّلَامَ وَ أَوْصِهِمْ بِتَقْوَى اللَّهِ الْعَظِيمِ وَ أَنْ يَعُودَ غَنِيَهُمْ عَلَى فَقِيرِهِمْ وَ قَوِيَهُمْ عَلَى ضَعِيفِهِمْ وَ أَنْ يَشْهَدَ حَيْثُ هُمْ جَنَازَةَ مَيِّتِهِمْ وَ أَنْ يَتَلَقَّوْا فِي بُيُوتِهِمْ فَإِنَّ لَقِيَا بَعْضَهُمْ بَعْضًا حَيَاةً لَأَمْرَنَا رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَخِيَا أَمْرًا يَا خَيْثَمَةُ أُبْلِغْ مَوَالِينَا أَنَّا لَا نُغْنِي عَنْهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِلَّا بِعَمَلٍ وَ أَنَّهُمْ لَنْ يَنَالُوا وَلَا يَتَنَا إِلَّا بِالْوَرَعِ وَ أَنْ أَشَدَّ النَّاسِ حَسْرَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَنْ وَصَفَ عَدْلًا ثُمَّ خَالَفَهُ إِلَى غَيْرِهِ.» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۷۵) خیثمه گوید: خدمت امام باقر (ع) رسیدم تا با او وداع کنم. فرمود: ای خیثمه هرکس از دوستان ما را می‌بینی سلام برسان و آن‌ها را به تقوای خدای بزرگ سفارش کن و اینکه توانگرشان بر فقیرشان توجه کند، و قوی‌شان بر ضعیف، و زنده آن‌ها بر جنازه میتشان حاضر شوند و در منازل به ملاقات یکدیگر روند؛ زیرا ملاقات آن‌ها با یکدیگر موجب زنده ساختن امر ماست. خدا رحمت کند بنده‌ای را که امر ما را زنده دارد. ای خیثمه به دوستان ما پیغام ده که ما از طرف خدا آن‌ها را جز به عملشان بی‌نیازی ندهیم و چاره‌سازی نکنیم، جز با ورع به دوستی ما نرسند و پرحسرت‌ترین مردم روز قیامت کسی است که عدالتی را بستاید و سپس به خلاف آن گراید.

ب. «مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ فِي كِتَابِ الْأَخْوَانِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: تَجَلِسُونَ وَ تَحَدَّثُونَ قُلْتُمْ نَعَمْ قَالَ تِلْكَ الْمَجَالِسُ أَحِبُّهَا فَأَحْيُوا أَمْرَنَا رَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَحْيَا أَمْرَنَا يَا فَضِيلُ - مَنْ ذَكَرْنَا أَوْ ذُكِرْنَا عِنْدَهُ فَخَرَجَ عَنْ عَيْنِيهِ مِثْلُ جَنَاحِ الدُّبَابِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذُنُوبَهُ وَ لَوْ كَانَتْ أَكْثَرَ مِنْ زَبْدِ الْبَحْرِ.» (حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۲، ص ۲۰) در کتاب *الاخوان* آمده است که امام صادق (ع) [به یکی از شیعیان] فرمود: آیا [شما دوستان و شیعیان] با یکدیگر همنشینی و گفت‌وگو دارید؟ عرض کردم: بلی. فرمود: این مجلس‌ها را دوست می‌دارم، پس فضایل و سخنان ما را [در مورد احکام دین یا مصائب ما] زنده نگه

دارید. کسی که فضایل ما را هرچه بیشتر زنده نگه دارد، خدای رحمتش کند. هرکه ما را یاد کند یا نزد او ذکری از ما بشود و به اندازه پر مگسی اشک از چشمش خارج شود، خدا گناهانش را می‌آمرزد؛ گرچه از کف دریا بیشتر باشد.

ج. «دَعَائِمُ الْإِسْلَامِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: أَنَّهُ أَوْصَى بَعْضَ شِيعَتِهِ فَقَالَ أَمَا وَاللَّهِ إِنَّكُمْ لَعَلَى دِينِ اللَّهِ إِلَيَّ أَنْ قَالَ عليه السلام رَحِمَ اللَّهُ أَمْرًا أَحْيَا أَمْرَنَا فَقِيلَ وَ مَا إِحْيَاءُ أَمْرِكُمْ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَقَالَ تَذَكُّرُونَهُ عِنْدَ أَهْلِ الْعِلْمِ وَالِدِّينِ وَاللُّبِّ.» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۸، ص ۳۲۵) امام صادق عليه السلام در سفارشی به بعضی از شیعیان فرمود به خدا قسم شما بر دین خداوند هستید، تا اینکه فرمود: خدا رحمت کند شخصی را که زنده بدارد امر ما را. گفته شد: ای فرزند رسول خدا زنده نگه داشتن امر شما چگونه است؟ فرمود اینکه یادآوری کنی آن را نزد اهل علم و دین و خرد.

روایات متعدد دیگری نیز وجود دارد که مضمون واحدی با روایات فوق دارند؛ هماهنگی و یکسانی مضمون این روایات باعث تقویت صدور آن از معصومین علیهم السلام است؛ برای نمونه: «أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ: أَخْبَرَنِي أَبُو الْقَاسِمِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ قَوْلُوبِ بْنِ أَبِيهِ، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ، عَنْ شُعَيْبِ الْعَقْرُقُوفِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو عُبَيْدٍ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ عليه السلام يَقُولُ لِأَصْحَابِهِ وَ أَنَا حَاضِرٌ: اتَّقُوا اللَّهَ، وَ كُونُوا إِخْوَةَ بَرَّةٍ مَّتَحَابِّينَ فِي اللَّهِ، مُتَوَاصِلِينَ مُتَرَاحِمِينَ، تَزَاوَرُوا وَ تَلَاقُوا وَ تَذَاكَرُوا وَ أَحْيُوا أَمْرَنَا.» (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۶۰)

از عقرقوفی نقل است که می‌گوید: شنیدم امام ششم عليه السلام در حضور من به اصحابش می‌فرمود: تقوای الهی پیشه کنید و با هم برادرانی نیکوکار به هم باشید، در راه خدا همدیگر را دوست دارید، با هم پیوسته و مهربان باشید، همدیگر را زیارت و ملاقات کنید و با هم گفت‌وگو کنید و امر ما را زنده بدارید.

با تشکیل خانواده حدیث و بررسی روایات دیگری که شبیه و هم‌مضمون با روایت امام رضا عليه السلام که موضوع بحث ما در این نوشتار است، این نتیجه به دست می‌آید که گونه‌های دیگر احادیث مرتبط با حدیث فوق گرچه تفاوت اندکی در الفاظ دارند، در حقیقت در صدد بیان روش‌های مختلف دیگری از «احیای امر» هستند، ولی در مجموع محتوا و مضمون یکسانی دارند. بخشی از این تفاوت‌ها در

ابتدای احادیث با تغییر لفظ «عبدًا، مَنْ، امرًا» در جدول زیر قابل مشاهده است.

ردیف	اشاره به احیای امر	روش‌های احیای امر
۱	رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْيَا أَمْرَنَا	أَوْصِيَهُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ الْعَظِيمِ وَأَنْ يَعُودَ غَنِيَهُمْ عَلَى فَقِيرِهِمْ وَقَوِيَهُمْ عَلَى ضَعِيفِهِمْ وَأَنْ يَشْهَدَ حَيْثُ جَنَازَةٌ مَيْتِهِمْ وَأَنْ يَتَلَقَّوْا فِي بَيُوتِهِمْ فَإِنَّ لِقَاءَ بَعْضِهِمْ بَعْضًا حَيَاةٌ لِأَمْرِنَا
۲	رَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَحْيَا أَمْرَنَا	تَجَلْسُونُ وَتَحَدَّثُونُ
۳	رَحِمَ اللَّهُ امْرَأً أَحْيَا أَمْرَنَا	تَذْكُرُونَهُ عِنْدَ أَهْلِ الْعِلْمِ وَالِدِّينِ وَاللُّبِّ
۴	وَأَحْيُوا أَمْرَنَا	اتَّقُوا اللَّهَ، وَكُونُوا إِخْوَةً بَرَّةً مُنْحَابِينَ فِي اللَّهِ، مُتَوَاصِلِينَ مُتَرَاحِمِينَ، تَرَاوَرُوا وَتَلَقَّوْا وَتَذَاكَرُوا

بررسی احیای امر در این روایات، طبق آنچه در خود این روایات از لسان معصومین علیهم‌السلام مطرح شده، بیانگر این است که در تمام موارد، در مقام تبیین روش‌های مختلف «احیای امر» بوده‌اند. در این احادیث به زنده نگه داشتن امر ائمه اطهار علیهم‌السلام از طریق رعایت تقوای الهی، تشکیل مجالس معرفت‌افزایی و برگزاری مجالس برای نقل معارف دین، فضایل، مناقب و مصائب آنان که همگی شیوه‌های مختلفی برای احیای دین است، اشاره شده است.

۶. اعتبارسنجی احادیث

مجموعه احادیثی که به بحث احیای امر و بیان نتیجه مطلوب آن پرداخته‌اند، از لحاظ اعتبار سندی، مضمونی و منبع و وضعی خوب و قابل قبولی دارند. از لحاظ سند روایات متصل به معصوم‌اند و تمامی راویان امامی و ثقه‌اند، که بحث آن در بررسی سندی گذشت. مرحوم کلینی در کافی شریف، شیخ صدوق در دو کتاب عیون اخبار الرضا علیه‌السلام و معانی الأخبار و شیخ طوسی در امالی این احادیث را آورده‌اند. علاوه بر اینکه منابع و کتب مذکور از اعتبار خوبی برخوردارند، مضمون احادیث نیز موافق با قرآن و محتوای بسیار خوب و سازنده‌ای دارند. در جدول زیر اعتبار احادیث از لحاظ سند و منبع قابل مشاهده است.

ردیف	حدیث	اعتبار منبع		اعتبار سندی	
		رتبه	کتاب	سند	نوع
۱	رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْيَا أَمْرَنَا	الف / ۱	الكافي	مقبول	مسند صحيح
۲	رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْيَا أَمْرَنَا	الف / ۸	عيون أخبار الرضا <small>عليه السلام</small>	مقبول	صحيح متصل
۳	رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْيَا أَمْرَنَا	الف / ۷	معانى الأخبار	مقبول	صحيح متصل
۴	رَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَحْيَا أَمْرَنَا	ج / واسطه	مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل	موثق	متصل
۵	رَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَحْيَا أَمْرَنَا	ب / ۲	الأمالي (للطوسي)	موثق	متصل
۶	رَحِمَ اللَّهُ امْرَأً أَحْيَا أَمْرَنَا	ج / واسطه	مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل	مقبول	مرسل
۷	تَرَاوَرُوا وَ تَلَاَقَوْا وَ تَذَاكَرُوا وَ أَحْيَا أَمْرَنَا	ب / ۲	الأمالي (للطوسي)	موثق	مسند صحيح

۷. روش های احیای امر ائمه اطهار علیهم السلام

در احادیث معصومین علیهم السلام روایات متعددی درباره احیای امر اهل بیت علیهم السلام وارد شده است. اما آنچه این نوشتار در صدد فهماندن آن بوده، حدیث امام رضا علیه السلام است. با محوریت فهم همین حدیث وقتی به احادیث هم مضمون با آن رجوع می شود، این جمع بندی به دست می آید که چند امر باعث احیای امر معصومین علیهم السلام قلمداد شده است که عبارت اند از:

۷-۱. آموختن علوم اهل بیت علیهم السلام و نشر آن

امام رضا علیه السلام فرمودند: «رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْيَا أَمْرَنَا». پرسیدند: امر شما چگونه احیا می شود؟ حضرت فرمودند: «يَتَعَلَّمُ عُلُومَنَا وَيُعَلِّمُهَا النَّاسَ فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَحَاسِنَ كَلَامِنَا لَاتَّبَعُونَا» (ابن بابویه، ۳۷۸ق، ج ۱، ص ۳۰۷)

۷-۲. تشکیل مجالس به یاد ائمه اطهار علیهم السلام

«مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ فِي كِتَابِ الْإِخْوَانِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: تَجَلِسُونَ وَ تُحَادِّثُونَ قُلْتُمْ نَعَمْ قَالَ تِلْكَ الْمَجَالِسُ أَحْبَبُهَا فَأَحْيَا أَمْرَنَا رَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَحْيَا أَمْرَنَا يَا

فُضِّلُ - مَنْ ذَكَرْنَا أَوْ ذُكِرْنَا عِنْدَهُ فَخَرَجَ عَنْ عَيْنَيْهِ مِثْلُ جَنَاحِ الذُّبَابِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذُنُوبَهُ وَ لَوْ كَانَتْ أَكْثَرَ مِنْ زَبَدِ الْبَحْرِ.» (حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۲، ص ۲۰)

۳-۷. دیدار و گفت‌وگوی مؤمنان با یکدیگر

از امام باقر علیه السلام روایت شده است که به خیمه فرمود: «يَا خَيْمَةَ أُبْلِغُ مَنْ تَرَى مِنْ مَوَالِينَا السَّلَامَ وَ أَوْصِيَهُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ الْعَظِيمِ وَ أَنْ يَعُودَ غَنِيَّهُمْ عَلَى فَقِيرِهِمْ وَ قَوِيَّهُمْ عَلَى ضَعِيفِهِمْ وَ أَنْ يَشْهَدَ حَيْثُهم جَزَاةَ مَيِّتِهِمْ وَ أَنْ يَتَلَقَّوْا فِي بُيُوتِهِمْ فَإِنَّ لِقَاءَ بَعْضِهِمْ بَعْضًا حَيَاةٌ لَأَمْرِنَا رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْيَا أَمْرَنَا.» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۷۵)

همچنین از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمودند: «تَلَقَّوْا وَ تَحَادَّثُوا وَ تَذَكَّرُوا فَإِنَّ فِي الْمُدَاكِرَةِ إِحْيَاءَ أَمْرِنَا رَحِمَ اللَّهُ أَمْرًا أَحْيَا أَمْرَنَا.» (مجلسی، بحار، ج ۱۰۵، ص ۱۵)

به‌ویژه اگر این ملاقات و گفت‌وگو با اهل علم و ثابت‌قدمان صورت بگیرد. همان‌طور که از امام جواد علیه السلام روایت شده است که فرمودند: «رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْيَا ذُكِرْنَا»: پرسیده شد: زنده داشتن یاد شما به چیست؟ حضرت فرمود: «التَّلَاقِي وَ التَّذَاكُرُ عِنْدَ أَهْلِ الثَّبَاتِ» (دیدار ثابت‌قدمان و گفت‌وگوی با آنان). (ابن بابویه، ۱۴۰۲ق، ص ۳۴)

۴-۷. مقصود از امر ائمه اطهار علیهم السلام

امام رضا علیه السلام از خداوند طلب رحمت می‌فرمایند برای کسانی که امر اهل بیت علیهم السلام را زنده نگاه دارند. بلافاصله از خود امام علیه السلام سؤال می‌شود که منظور از «احیای امر» چیست؟ در همین حدیث حضرت پاسخ می‌دهند و می‌فرمایند: «يَتَعَلَّمُ عُلُومَنَا وَ يَعَلِّمُهَا النَّاسَ»؛ یعنی «احیای امر»، تعلّم و تعلیم علوم و معارف ائمه اطهار علیهم السلام به مردم است. اما این هدف میانی است و هدف نهایی این است که بعد از اینکه مردم با علوم و معارف اهل بیت علیهم السلام آشنا شدند، به آن عمل کنند، پیروی و تبعیت داشته باشند. حضرت می‌فرمایند: «فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَحَاسِنَ كَلَامِنَا لَاتَّبَعُونَا»؛ اگر مردم از زیبایی‌ها و محاسن کلام ما آگاه شوند، پیرو ما خواهند گشت. و این همان معنای واقعی احیای امر اهل بیت علیهم السلام است.

علامه مجلسی در همین باره می‌گوید: مراد از احیای امر، احیای دین اهل بیت علیهم السلام است تا توسط دشمنان از بین نرود: «إِحْيَاءُ أَمْرِنَا أَيْ لِإِحْيَاءِ دِينِنَا وَ ذِكْرَ فِضَائِلِنَا وَ عُلُومِنَا»

و إبقائها لثلاث تدرس بغلبة المخالفين و شبهاتهم.) (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۵، ص ۱۹۰)
بنابراین مقصود از احیای امر، در واقع همان احیای دین اسلام است؛ یعنی یاد گرفتن
بایدها و نبایدهای دین از طریق مفسران و معلمان الهی قرآن کریم که معصومین علیهم السلام
هستند و عمل به آن موجب احیای امر آنان یعنی احیای اسلام واقعی خواهد شد.

۵-۷. چگونگی احیای امر ائمه علیهم السلام

پرسش اساسی مطرح این است که به راستی زنده کردن امر اهل بیت علیهم السلام به چیست و با
چه روشی می توان امر ائمه علیهم السلام را احیا کرد؟ این سؤالی است که به ذهن راوی نیز
رسیده است. امام رضا علیه السلام در این حدیث در پاسخ او چگونگی احیای امر خود را در
گرو دو چیز قرار داده اند: یادگیری علوم اهل بیت علیهم السلام و یاد دادن آن به مردم: «يَتَعَلَّمُ
عُلُومَنَا وَ يَعْلَمُهَا النَّاسَ.»

با جمع آوری روایات از طریق تشکیل خانواده حدیث در این باب، نتیجه می شود
که روایات دیگر نیز همین مضمون را مورد تأکید قرار داده اند؛ تمامی این روایات بیان
می کنند که احیای امر ائمه علیهم السلام از طریق برگزاری مجالس علمی و یاد گرفتن و یاد دادن
علوم و احادیث معصومان علیهم السلام صورت می گیرد.

از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «تَلَّاقُوا وَ تَحَادَثُوا الْعِلْمَ فَإِنَّ بِالْحَدِيثِ تُجَلَّى
الْقُلُوبُ الرَّائِنَةُ وَ بِالْحَدِيثِ إِحْيَاءُ أَمْرِنَا فَرَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَحْيَا أَمْرَنَا.» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱،
ص ۲۰۲) به دیدار هم بروید و برای هم حدیث بخوانید همانا با حدیث قلبهای زنگارگرفته
جلا می یابد و با حدیث امر ما زنده می شود؛ پس خداوند رحمت کند کسی را که امر ما را
زنده کند.

در روایتی دیگر امام صادق علیه السلام فرمود: «رَحِمَ اللَّهُ أَمْرًا أَحْيَا أَمْرَنَا فَقِيلَ وَ مَا إِحْيَاءُ أَمْرِكُمْ
يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَقَالَ تَذَكَّرُونَهُ عِنْدَ أَهْلِ الْعِلْمِ وَ الدِّينِ وَ اللُّبِّ.» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۸،
ص ۳۲۶) خداوند رحمت کند کسی که امر ما را احیا کند. به ایشان عرض شد: ای فرزند
رسول الله احیای امر شما به چیست؟ حضرت فرمود: ما را نزد اهل علم و دین و خرد یاد کند.

از ملاحظه مجموع این روایات که به بیان برخی از روش های احیای امر پرداخته
است، معلوم می شود که به ملاقات یکدیگر رفتن و برگزاری مجالس اهل بیت علیهم السلام که
در آن علوم و معارف آنان گفت و گو شود و در نهایت به آن عمل گردد، راه درست

احیای امر اهل بیت علیهم السلام شمرده شده است.

۶-۷. محاسن کلام و پذیرش عمومی

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام در فصاحت و بلاغت کلام، بی نظیر بودند. زیبایی و نیکویی سخنان اهل بیت علیهم السلام به گونه‌ای است که اگر مردم به آن آشنا و آگاه شوند، به آنان گرویده، از ایشان پیروی و متابعت می‌کنند. زیبایی‌ها و جاذبه‌های لفظی و محتوایی سخنان آن بزرگواران بر کسی پوشیده نیست؛ اما اینکه امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَحَاسِنَ كَلَامِنَا لَاتَّبَعُونَا»، بیشتر ناظر به محتوای حکیمانه و زیبای سخنان ایشان است، زیرا آنچه موجب پیروی مردم و عمل به گفتار آنان است، پیام‌های حیات‌بخش گفته‌ها و سخنان ایشان است.

تعالیم و سخنان هدایتگر ائمه اطهار علیهم السلام که مطابق با عقل و فطرت هر انسانی است، اگر در دسترس بشر قرار بگیرد، همه، آن‌ها را می‌پذیرند و از آن پیروی می‌کنند، زیرا خواسته فطرت را عرضه می‌نمایند؛ مانند آب برای تشنه جویای آب، بسیار دل‌پذیر و گوارا خواهد بود. فطرت بشریت، جویای این تعالیم و ارشادات است و هیچ دلیلی بر درستی این تعالیم و حقانیت آن‌ها بهتر از خود آن‌ها نیست.

در حدیث مذکور زمینه تبعیت و پیروی از ائمه اطهار علیهم السلام، علم و آگاهی مردم نسبت به محاسن کلام آنان معرفی شده است؛ زیرا امام رضا علیه السلام به صراحت می‌فرماید: «فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَحَاسِنَ كَلَامِنَا لَاتَّبَعُونَا». واژه محاسن در لغت جمع «حُسن» و به معنای خوبی هاست. جوهری در صحاح آورده است: حُسن نقیض قُبْح و محاسن جمع آن است: «الحُسنُ نقیضُ القُبْح؛ و الجمعُ مَحَاسِنُ علی غیر قیاس.» (الجوهری، ۱۴۱۰ق، ج ۵، ص ۲۰۹۹) بر این اساس، محاسن کلام به معنای نیکویی‌های سخن خواهد بود و به قرینه سیاق می‌توان مراد از محاسن کلام را حکمت‌ها، ظرافت‌ها و مصالحی دانست که بر سخنان حکیمانه اهل بیت علیهم السلام مترتب می‌گردد که هر وجدان بیداری را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد.

۷-۷. تطابق سخنان ائمه اطهار علیهم السلام با فطرت

در حدیث مورد بحث، هنگامی که راوی سؤال می‌کند: احیای امر شما چگونه است؟ امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «راه احیای امر ما، این است که شما با علوم و معارف ما آشنا

شوید و این علوم و معارف را خوب برای مردم معرفی و تبیین کنید؛ زیرا اگر مردم زیبایی اندیشه‌های ما را درک کنند، به‌طور قطع از ما تبعیت و پیروی می‌کنند.

نکته مهمی که در پاسخ امام رضا علیه السلام درس آموز است و می‌شود به آن به‌عنوان ایده مهم توجه کرد، این است که ائمه اطهار علیهم السلام از منطبق خود مطمئن بودند؛ زیرا منطبق آن‌ها منطبق قرآنی و مطابق با فطرت انسان است و می‌تواند نافذ و مؤثر واقع شود.

ائمه اطهار علیهم السلام از دو چیز مطمئن بودند: اول منطق و استواری منطق خود و دوم از پذیرش‌گری حقیقت‌جویان که مردم اند. فقط نکته‌ای که وجود دارد این است که بین امام و مردم، شخصیت انتقال‌دهنده خوب عمل کند؛ یعنی هم باید شخص فهمیده باشد و هم با بیان شیرین و روشن و ملایم ارتباط خوبی با مردمی که به حقیقت تشنه‌اند، برقرار کند و آن را انتقال دهد.

سپس امام علیه السلام با لام تأکید می‌فرماید: «لَاتَّبِعُونَا»؛ یعنی اگر مردم با سخنان زیبای ما آشنا شوند به‌طور قطع از ما پیروی می‌کنند. بنابراین اگر اختلالی در امر هدایت مردم موجود است، یا مشکل و ضعف در انتقال‌دهنده وجود دارد یا مشکل از مخاطب است که قابلیت پذیرش حرف حق را از دست داده است.

۸-۷. «احیای امر» وظیفه‌ای همگانی برای تشکیل نظام ولایی

خداوند در قرآن مجید رسالت پیامبران علیهم السلام را معرفت‌افزایی مردم و رعایت حق و عدالت معرفی کرده است و در سوره حدید می‌فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ...» (حدید: ۲۵) ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آن‌ها کتاب [آسمانی] و میزان [شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه] نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند.

یعنی یکی از نشانه‌های احیای امر دین در جامعه، تحقق عدالت در راستای پیروی از شریعت و قوانین الهی است. نیز در آیه ۱۵۷ سوره اعراف می‌فرماید: هدف از بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله علاوه بر امر به معروف و نهی از منکر و تبیین حلال و حرام، شکستن غل‌ها و زنجیرهای اسارت است: «وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ»؛ یعنی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بارهای سنگین را از دوش آنان را برمی‌دارد و غل و زنجیرهایی را که بر دست و پا و گردنشان بود می‌شکند. بخش مهمی از حقیقت احیای امر دین توسط

پیامبران و امامان علیهم السلام در رهایی بخشی و آزادی مردم از ظلم ظالمان است. با چنین پشتوانه فکری حضرت رضا علیه السلام فرمودند: «رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْيَا أُمَّرْنَا». راوی سؤال کرد: «فَكَيْفَ يَحْيِي أُمَّرْكُم؟» حضرت فرمودند: «يَتَعَلَّمُ عُلُومَنَا وَيَعْلَمُهَا النَّاسُ، فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عِلِمُوا مَحَاسِنَ كَلَامِنَا لَاتَّبَعُونَا.»

مردم ایران با مکتب عاشورایی امام حسین علیه السلام آشنا بودند و می دانستند که یکی از «محاسن کلام» آن حضرت «هَيْهَاتَ مِنَّا الذَّلَّةُ» است. مردم ظلم دیده بیدار شده بودند و دیگر حاضر نبودند تن به ذلت بدهند؛ این گونه بود که بر اثر آگاهی و پیروی از نهضت عاشورایی امام حسین علیه السلام دیگر تن به ظلم ندادند و در برابر ظلم ایستادند و به پیروزی رسیدند. انقلاب اسلامی مردم ایران در راستای پیروی از امام حسین علیه السلام و در واقع احیای امر ائمه اطهار علیهم السلام بود.

امام حسین علیه السلام به عنوان پیشوای الهی، با برپایی نهضت عاشورایی بهترین الگو و بزرگترین احیاگر امر دین است. ایشان هدف خود را امر به معروف و نهی از منکر، احیای کتاب و سنت، اصلاح امت پیامبر صلی الله علیه و آله و تشکیل حکومت اسلامی معرفی فرمودند و در راستای «احیای دین» جان عزیز خویش را فدا کردند تا مردم را از جهل و نادانی و حیرت ضلالت نجات دهند.

وجود بدعت های مختلف در امر دین در عصر زمامداری یزید، باعث از بین رفتن دین و تبدیل آن به بازیچه ای برای قدرت طلبی امثال یزید شده بود. «پس از هلاکت معاویه و پایان دسیسه گری های او، مرحله پنجم زندگی سالار شهیدان علیه السلام آغاز شد که کمتر از یک سال بود، ولی به همه زندگی آن حضرت بها داد و نهضت ایشان را شهره جهانی کرد. امام حسین علیه السلام توانست دین مأسور و غارت شده را احیا کند؛ به طوری که سنت متروک نبوی و علوی، حیات مجدد خود را بازیافت و بدعت اموی و مروانی رخت بر بست.» (جوادی آملی، ۱۳۸۶ش)

احیای یک ملت و جامعه انسانی در گرو احیای دین است. اگر حیات دین به خطر بیفتد، دیگر با چه عاملی می توان جامعه را زنده کرد. آنچه موجب بهره مندی یک جامعه از حیات طیبه و زندگی سعادت مندانه است، آشنایی با معارف دینی است که تحریف نشده باشد. دین حیات بخش، دینی است که تحریف و آمیخته با خرافات

نشده باشد. این نکته نیز نباید مورد غفلت قرار بگیرد که آنچه موجب تحقق اهداف الهی از دین در زندگی انسان می شود، عمل به آموزه های دینی است نه فقط تبدیل آن ها به شعار در سطح جامعه.

بنابراین «احیای امر امامان معصوم (علیهم السلام)» به این است که ارزش ها و احکام الهی در تمام ابعادش در جامعه حاکم شود؛ و یکی از لوازم تحقق این امر تشکیل حکومت و نظام ولایی است. بررسی روایاتی که کلمه «امر» در آن به کار رفته، نشان می دهد که در روایات ائمه اطهار (علیهم السلام)، کلمه «امر» بیشتر ناظر بر بُعد اعتقادی و ولایتی ائمه اطهار (علیهم السلام) است.

ان شاء الله خداوند به همه ما توفیق کسب علوم و معارف اهل بیت (علیهم السلام) و نشر آن و همچنین توفیق عمل به این آموزه های نورانی و حیات بخش را که «احیای امر» آنان است، عنایت فرماید و همگی مشمول دعای حضرت امام رضا (علیه السلام) باشیم.

۸. نتیجه گیری

ائمه اطهار (علیهم السلام) در روایات متعددی به شیعیان و محبان خود سفارش فرموده اند که امر آنان زنده نگه داشته شود. یکی از این روایات حدیثی است از امام رضا (علیه السلام) که در این مقاله مورد بحث قرار گرفت. برای فهم روشمند این حدیث نورانی که با عبارت زیبای «رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْيَا أَمْرَنَا» آذین شده است، در پژوهش حاضر اقدام به تشکیل خانواده حدیث شد و با تحلیل اطلاعات جمع آوری شده، این نتایج به دست آمد که اگر می خواهیم مشمول دعای امام رضا (علیه السلام) شویم، بهترین راه این است که امر ائمه اطهار (علیهم السلام) زنده نگه داشته شود. در پاسخ به این سؤال اساسی که چگونه می توان موجب احیای امر ائمه اطهار (علیهم السلام) شد، امام رضا (علیه السلام) در ادامه حدیث فرموده اند که از طریق فراگیری معارف ائمه اطهار و تبلیغ آن؛ زیرا اگر مردم با زیبایی های کلام معصومین (علیهم السلام) آشنا شوند حتماً تبعیت می کنند. این مطلب بیانگر این واقعیت است که چون علوم امامان معصوم (علیهم السلام) از جانب خداوند است، زمینه پذیرش آن در هر انسانی که از فطرت الهی منحرف نشده باشد، وجود دارد. بنابراین زنده نگه داشتن امر دین که همان امر ائمه اطهار (علیهم السلام) است، به علم و آگاهی صحیح از معارف دین و عمل و تبعیت از آن علوم است.

منابع

۱. قرآن مجید.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، الطبعة الثالثة، بیروت: دار صادر، ۱۴۱۴ق.
۳. ابن بابویه قمی، محمد بن علی، الامالی، مصادقة الاخوان، قم: لیتوگرافی کرمانی (چاپ افسست)، ۱۴۰۲ق.
۴. _____، عیون اخبار الرضا علیه السلام، تهران: جهان، ۱۳۷۸ق.
۵. _____، معانی الأخبار، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۱ش.
۶. _____، من لا یحضره الفقیه، بیروت: دار الاضواء، ۱۴۰۵ق.
۷. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۴ق.
۸. اعرجی کاظمی، محسن، عاتة الرجال، قم: اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق.
۹. بحرانی، یوسف، الحدائق الناضرة، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، بی تا.
۱۰. بحرانی، محمد، سند العروة الوثقی، صلاة المسافرين، ج ۱، قم: مکتبه الداوری، ۱۴۱۳ق.
۱۱. بروجردی، حسین، تقریر بحث السید البروجردی، ج ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۶ق.
۱۲. _____، نهایة التقریر، تقریر محمد فاضل لنکرانی، ج ۳، قم: مرکز فقه الائمه الاطهار علیهم السلام، ۱۴۲۰ق.
۱۳. جوادی آملی، عبدالله، شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی، تحقیق سعید بندعلی، قم: انتشارات اسراء، ۱۳۸۶ش.
۱۴. الجوهری، ابونصر اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة، ج ۴، بی جا: دار العلم للملایین، ۱۴۰۷ق.
۱۵. حائری، ابوعلی محمد بن اسماعیل، منتهی المقال فی أحوال الرجال، قم: آل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۶ق.
۱۶. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۶ق.
۱۷. حلی (علامه)، حسن بن یوسف، رجال العلامة - خلاصة الأقوال، ج ۲، نجف اشرف: منشورات المطبعة الحیدریة، ۱۳۸۱ق.
۱۸. خمینی، سید روح الله الموسوی، المكاسب المحرمه، ج ۱، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۱۵ق.
۱۹. دلبری، سید علی، «پژوهش سندی و دلالی حدیث محاسن کلام از امام رضا علیه السلام»، فصلنامه علمی پژوهشی فرهنگ رضوی، شماره ۲۱، ۱۳۹۷ش، ص ۳۵-۶۲.
۲۰. شبیری زنجانی، سید موسی، کتاب نکاح، ج ۱، قم: مؤسسه پژوهشی رأی پرداز، ۱۴۱۹ق.
۲۱. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، تهران: المکتبه المرتضویه، ۱۳۶۵ش.
۲۲. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، رجال الشیخ الطوسی - الأبواب، ج ۳، قم: دفتر انتشارات اسلامی

۳۱۲ □ دو فصلنامه علمی حدیث پژوهی، سال چهاردهم، شماره بیست و هشتم، پاییز و زمستان ۱۴۰۱

- وایسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۲۷ق.
۲۳. —، *الأمالی (للطوسی)*، ج ۱، قم: دار الثقافة، ۱۴۱۴ق.
۲۴. عاملی، جعفر مرتضی، *احیوا امرنا*، ج ۱، بی جا: مرکز نشر و آثار علامه سید جعفر مرتضی عاملی، ۱۳۹۶ش.
۲۵. فراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین*، قم: دار الهجرة، ۱۴۱۰ق.
۲۶. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، *الکافی*، ج ۴، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۲۷. مامقانی، عبدالله، *مقباس الهدایه*، تحقیق محمدرضا المامقانی، قم: آل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۱ق.
۲۸. —، *تنقیح المقال فی علم الرجال*، نجف: المكتبة المرتضویه، ۱۳۵۲ق.
۲۹. مجلسی، محمدباقر، *بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۳۰. مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، ج ۱۰، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ش.
۳۱. نجاشی، احمد بن علی، *رجال النجاشی (فهرست أسماء مصنفی الشیعه)*، ج ۵، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۶ق.
۳۲. نمازی شاهرودی، علی، *مستدرکات علم رجال الحدیث*، تهران: چاپخانه شفق، ۱۴۱۲ق.
۳۳. نوری، حسین بن محمدتقی، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، ج ۱، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۸ق.
۳۴. وحید بهبهانی، محمدباقر، *الفوائد الرجالیه (چاپ شده به همراه رجال خاقانی)*، ج ۲، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.